

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)
دوره ۱۶، شماره ۶۲، زمستان ۱۴۰۳، صص ۳۹۰-۴۱۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۷
(مقاله پژوهشی)

DOI:

۳۹۰

تحلیل نشانه‌های اجتماعی در حکایت پادشاه و کنیزک بر مبنای نظریه پیر گورو

دکتر مریم برزگر^۱

چکیده

نشانه‌شناسی اجتماعی به بررسی نشانه‌های اجتماعی متن می‌پردازد. کاربرد نشانه‌ها در آثار ادبی، بیان‌گر شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در بافت اجتماع است. هدف پژوهش حاضر تحلیل حکایت پادشاه و کنیزک مثنوی با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. در این حکایت، بر اساس تقسیم‌بندی پیر گورو نشانه‌های هویتی با زیر مجموعه شغل، مرتبه اجتماعی، دین، فرهنگ، مکان، زمان، خوراک، پوشاک و نشانه‌های آداب معاشرت با زیر مجموعه حالات و اطوار، لحن، ارتباط کلامی و غیر کلامی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آنست که بیشترین نشانه‌های هویتی در این متن شیوه خاص رفتاری و گفتاری پادشاه و رمزگان قدرت اوست. عشق به کنیز رمزگان عرفانی است که شاعر از آن بهره برده و نشانه‌های دینی و فرهنگی، بر دین اسلام و فرهنگ عرفانی تأکید دارند. پس شغل و طبقه اجتماعی، زمان و مکان مطرح هستند و خوراک کم‌کاربردترین نشانه هویتی است. از نشانه‌های آداب معاشرت، لحن بیش از همه به چشم می‌آید که در کل متن تعلیمی است. لحن‌های نیازمندانه، خواهش‌گرانه، مشتاقانه، آمرانه، ستایشگرانه و... در خدمت پیشبرد اهداف شاعر به کار گرفته شده‌اند. شیوه ارتباطی کلامی و غیرکلامی، در خدمت تعلیم مباحث دینی، عرفانی است. شاعر از نشانه‌های ظاهری، اطوار و حالات برای القای پیام مسلط متن یعنی جایگاه عشق حقیقی بهره برده است.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی اجتماعی، مثنوی، پادشاه و کنیزک، هویت، آداب معاشرت.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه پژوهشگران، ادبیات را نوعی گفتمان می‌بینند و متون ادبی را با جست‌وجوی نشانه‌ها بررسی می‌کنند. نشانه‌شناسی (semiotics) علمی است که به بررسی دلالت‌ها و معناها در نظام‌های نشانه‌ای مختلف، اعم از زبان، تصویر، موسیقی و هر چیزی که در فرهنگی خاص معنادار و دلالت‌گر است می‌پردازد. باید بتوان میان نشانه‌ها و رمزگان‌ها ارتباط خلاقانه‌ای ایجاد کرد و این میسر نمی‌شود، مگر با آگاهی کامل از محیط اجتماعی که رمزگان در آن شکل گرفته است.

نشانه‌شناسی اجتماعی (Social semiotics) یکی از رویکردهای معاصر در حوزه نشانه‌شناسی است که به فرآیند ساخت نشانه و معناپردازی در حوزه اجتماع و فرهنگ و تاریخ تأکید دارد. این رویکرد به معانی اجتماعی می‌پردازد که از طریق صورت‌های نشانه‌ای در متون و هر نوع عمل نشانه‌ای در جوامع انسانی در دوره‌های تاریخی‌شان شکل گرفته‌است و تحلیل‌گر با تحلیل نشانه‌های کلامی و غیرکلامی در بافت متن، با توجه به نظام ارزشی که این نشانه‌ها در آن تولید می‌شود سر و کار دارد. نشانه‌هایی که ثابت و قطعی نیستند و مدام در حال تغییر و تحول‌اند.

تحلیل نشانه‌های اجتماعی در متون ادبی به علت ماهیت این متون بسیار کاربردی است. در متنی چون مثنوی معنوی که شامل داستان‌های عرفانی و تعلیمی است، تقابل و تفاهم شخصیت‌ها با یکدیگر در بستری از فرهنگ و اجتماع به صورت حکایات رمزی مطرح شده است.

در میان داستان‌های مثنوی، حکایت «پادشاه و کنیزک» دفتر اول از ظرفیت بالایی برای تحلیل نقادانه از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی برخوردار است. هدف پژوهش بررسی و تحلیل نشانه‌های اجتماعی در این حکایت بر اساس نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو، در دو بخش هویت شامل: نشانه‌های شغل، طبقه اجتماعی، نام و القاب، مالکیت، جنسیت، دین، فرهنگ، پوشاک، خوراک، زمان و مکان و شیوه‌های خاص گفتاری-رفتاری و آداب‌ معاشرت شامل: حالات و اطوار، لحن و شیوه‌های ارتباطی در رفتار و گفتار است.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که می‌توان به عنوان پیشینه تحقیق از آنها نام برد عبارتند از:

مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان بیوتن»، (۱۳۹۳)، سهیلا فرهنگی و معصومه باستانی خشک بیجاری. نویسندگان توجه ویژه به درون‌مایه اجتماعی، فرهنگ، اعتقادات و تقابل فرهنگی میان شخصیت‌ها دارند. نقش محوری دین، کاربرد فراوان آیات قرآنی، بحران هویت، و تمایز طبقات اجتماعی در پوشاک، خوراک، شغل و مسکن از مباحثی است که به آنها پرداخته شده است.

مقاله «بازتاب مسائل اجتماعی-فرهنگی در مثنوی معنوی مولانا (نگاهی به مثنوی از منظر جامعه‌شناسی ادبیات)»، (۱۳۸۹)، قرداد طهماسبی. هدف نویسنده یافتن پیش‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در قصه‌های مثنوی است، تا بتواند تصویری از سیمای جامعه عصر مولانا به دست دهد، ولی به تحلیل نشانه‌های اجتماعی توجهی نداشته است.

روش تحقیق

داده‌های این پژوهش با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و پس از دسته‌بندی با روش کیفی، تحلیل و توصیف شده است.

مبانی تحقیق

نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرایند دلالت شرکت دارند و می‌توان گفت «حوزه‌ای چند رشته‌ای است که به بررسی مقوله‌های ارتباط و معنا آن‌گونه که در نظام‌های مختلف نشانه‌ای وجود دارند می‌پردازد.» (مکاریک، ۱۳۸۸: ۳۲۶) نشانه‌شناسی در شکل‌های مختلف با ساخت معنا، تفسیر و ارتباط دادن آن، «در جست‌وجوی معناهای پنهان و ضمنی است.» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۹) موضوع مورد بررسی در نشانه‌شناسی، یک نشانه منفرد مانند واژه نیست؛ بلکه هر موضوع مورد مطالعه در شکل یک متن بررسی می‌شود.

نشانه چیزی است که چیز دیگری را بازنمایی می‌کند و جایگزین آن می‌شود، «محرک یا جوهر محسوسی است که تصویر ذهنی آن در ذهن ما با تصویر ذهنی محرکی دیگر تداعی می‌شود. کارکرد محرک نخست، برانگیختن محرک دوم با هدف برقراری ارتباط است.» (گیرو، ۱۳۸۰: ۳۹) ساختارگرایان معتقدند ساختارهای رمزی، واسطه میان ما و واقعیت‌ها هستند و درون این ساختار رمزی است که نشانه‌ها با هم ارتباط دارند و نظام دلالتی را شکل می‌دهند

که منجر به تولید معنا می‌شود؛ بنابراین نشانه‌شناسی را می‌توان روش خوانش متن قلمداد کرد. (ر.ک: نجومیان، ۱۳۹۶: ۹)

نشانه‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند و ما با دو نوع نشانه‌شناسی سر و کار داریم: یکی نشانه‌شناسی خرد که به مطالعه نشانه‌ها در یک نظام نشانه‌ای می‌پردازد و دیگری نشانه‌شناسی کلان که کارایی تبیینی دارد و به دنبال دلیل انتخاب و ترکیب نشانه‌هاست. (صفوی، ۱۳۹۴: ۳۲۳)

بنا بر نشانه‌شناسی لایه‌ای، معنا وابسته به متن است، پس سخن گفتن از معنای صریح یعنی معنایی از پیش مفروض، هر چند به شکلی قراردادی امکان‌پذیر و در عمل، ناممکن باشد. ما همیشه با معنای ضمنی متن سر و کار داریم؛ مفاهیمی چون استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه مفاهیمی قطعی و از پیش مقرر نیستند. نشانه‌ها فقط در درون متن و در رابطه‌ای که با لایه‌های دیگر متن دارند، ممکن است در حکم استعاره، مجاز، و یا کنایه دریافت شوند. جمله‌ای می‌تواند در رابطه به‌خصوصی از لایه‌های متنی، در حکم استعاره خوانده شود، و همان جمله ممکن است در شرایطی دیگر و در مناسبات متنی دیگر، استعاره نباشد. (ر.ک: سجودی، ۱۳۹۰: ۲۷۵)

نشانه‌شناسی به معنای امروزی، برگرفته از آراء فردینان دو سوسور (Ferdinand de Saussure) و پیرس (Charles Sanders Peirce) است. از نظر سوسور نشانه‌شناسی به مطالعه نشانه‌ها به منزله بخشی از زندگی اجتماعی می‌پردازد. بر طبق نظر پیرس دامنه نشانه‌شناسی بسیار وسیع است و هرآنچه بر چیز دیگری دلالت می‌کند، در این حوزه جای می‌گیرد. نشانه‌شناسی متشکل از یک الگوی سه وجهی است: دال (صوت آوایی)، مدلول (مفهوم) و دلالت (نشانه). نشانه‌ها در نشانه‌شناسی باید قابل تأویل باشند؛ در حالیکه پساساختارگرایان با وجود اعتقاد به نظام دلالتی، معنای متن را همواره در تعلیق و تعویق می‌بینند. یعنی دال‌ها هرگز به مدلولهای نهایی نمی‌رسند و حرکت از دالی به دال دیگر ادامه می‌یابد. با این عقیده متن، بسته و دارای معنای صریح و قطعی نیست و همواره با زایش معانی جدید همراه است؛ بنابراین یک متن قادر است در بافت‌های اجتماعی متفاوت در تاریخ‌های متفاوت، معناهای متفاوت را ایجاد کند (ر.ک: ودیعه و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۰۹). نشانه‌شناسی اجتماعی، یکی از شاخه‌های علم نشانه‌شناسی است که عمدتاً بر پایه نظریه‌های بارت (Roland Barthes)، هالیدی (M. A. K. Halliday) و فوکو (Michel Foucault) بنا شده است.

نشانه‌شناسی اجتماعی

نشانه‌های اجتماعی رمزگان‌هایی هستند که به صورت قراردادهای نانوشته درون اجتماعند که برخی دارای معنایی روشن و پاره‌ای پیچیده‌اند. آنها به شخص، توانایی شناخت محیط اطراف و اطرافیان را می‌دهند. «از این طریق شخص می‌داند که با چه کسی رابطه دارد و هویت اشخاص و گروه‌ها را باز می‌شناسد.» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۷) رمزگان‌های اجتماعی «داشته‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگ بنیادی هستند که امکان بیان معنادار و دریافت معنادار را فراهم می‌کنند.» (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۶۳) این رمزگان‌های فرهنگی «از نقطه‌ای به نقطه دیگر متفاوت هستند و انواع مختلفی دارند، مانند: زبان، پوشاک، خوراک، آداب، معماری و جز آن.» (عظیمی‌فرد، ۱۳۹۲: ۸۷)

«برای برقراری یک ارتباط اجتماعی موفق و تقریباً پایدار، افراد باید هویت و تعلقات اجتماعی مشترک داشته باشند. بنابراین شناخت نشانه‌های هویت و به طبع آن شناخت نشانه‌های معاشرت، در برقراری ارتباطات انسانی از بایدهای اجتماعی محسوب می‌شود.» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۷) نشانه‌ها در قلمرو رمزگان معنادار و تفسیرپذیر می‌شوند. رمزگان‌ها مجموعه‌ای از قراردادهایی با رویکردهای اجتماعی‌اند که کاربران با فرآیند عملکرد آنها آشنا هستند و هر گروه اجتماعی بر اساس نیازهای فرهنگی خود از آنها بهره می‌برد. به کار بردن نشانه‌ها در آثار ادبی می‌تواند، نشان‌دهنده شرایط جامعه و بیانگر شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در بافت اجتماع باشد.

رمزگان‌ها در آفرینش و خوانش متون، نقشی کنشگر و فعال دارند. انتخاب، ترکیب و هم‌نشینی رمزگان شناخته شده و قابل فهم، معانی و مفاهیم انتزاعی را عینیت می‌بخشد و متن را می‌سازد. خوانشگر نیز با ارجاع به رمزگان، متن را تفسیر می‌کند و معانی آن را در می‌یابد.

خلاصه داستان پادشاه و کنیزک

روزی پادشاهی به همراه خواص به شکار رفت. در میانه‌ی راه، دل به کنیزکی باخت، او را خرید و به حرم برد. پس از برخورداری از او، کنیزک بیمار گشت. شاه طبیبان حاذق را فراخواند تا او را درمان کنند. هر یک از طبیبان مدعی شدند که می‌توانند او را مداوا کنند و فراموش کردند از خداوند یاری بخواهند. درمان طبیبان تأثیر معکوس داشت. شاه ناامید از آنها، پا برهنه به مسجد رفت. در میان دعا و تضرع خوابش برد و در خواب به او خبر دادند که صبح فردا

حکیمی فرزانه به نزد تو خواهد آمد. سحرگاه شاه به استقبال طبیب موعود شتافت و او را بر بالین بیمار برد. طبیب پس از معاینه کنیزک اعلام کرد که علت بیماری وی، جسمانی نیست. سپس دستور داد تا خانه را از بیگانه و خویش خالی کنند. نبض کنیزک را گرفت. ضمن احوالپرسی، از دوستان، خویشان و صاحبان قبلش جویا شد. با بردن نام سمرقند نبض کنیزک جهدی گرفت. طبیب به او اطمینان داد که اگر رازش را با او در میان بگذارد، کمکش کند. کنیزک عاشق مردی زرگر در سمرقند بود. شاه طبق توصیه طبیب، عده‌ای را به سمرقند فرستاد تا زرگر را به دربار بیاورند. هنگامی که زرگر به دربار رسید، پادشاه، کنیزک را به عقد او در آورد. آن دو شش ماه در کنار هم با کامروایی زندگی کردند. سپس طبیب دارویی به زرگر داد که بر اثر آن طراوت چهره‌اش از دست رفت و از چشم کنیزک افتاد. زرگر با خود گفت: من همانند آهوئی‌ام که شکارچی به خاطر نافه‌ام خون مرا ریخت و زیبایی‌ام باعث مرگ من شد. امروز نوبت من است و فردا نوبت به او خواهد رسید. با مرگ زرگر دیگر مانعی وجود نداشت و آن دو به وصال هم رسیدند.

بحث

بر اساس نظریه پیر گیرو نشانه‌های اجتماعی شامل: نشانه‌های هویت و آداب معاشرت‌اند. در این پژوهش این نشانه‌ها در داستان پادشاه و کنیزک بررسی شده است.

نشانه‌های هویت

هویت عامل تمایزدهنده هر فرد، گروه، یا ملتی از دیگران است. هویت فردی «یعنی آنچه که باعث تشخیص فرد می‌شود» (معین، ۱۳۷۵: ذیل واژه) و هویت جمعی «مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز می‌سازد». (الطائی، ۱۳۹۶: ۱۳۹) عوامل مختلفی در تشکیل هویت جمعی مؤثراند عبارتند از: خانواده، زبان، دین، زادگاه، شغل، سن، جمعیت، ایدئولوژی، ملیت (قومیت)، تاریخ گذشته، خودآگاهی و خودیابی. در جوامع سنتی ویژگی‌های انتسابی افراد، اساس هویت آنهاست، این ویژگی‌ها می‌تواند تغییر کند و متناسب با تغییر آن‌ها، هویت افراد نیز تغییر یابد.

در متون ادبی هویت افراد، به شکل نشانه‌های اجتماعی جایگاه آن‌ها را در بافت اجتماع معین می‌کند. نشانه‌های هویتی عبارتند از: گروه شغلی و مرتبه اجتماعی، طبقه، نام و القاب، مالکیت، جنسیت، دین، فرهنگ، پوشاک، خوراک، زمان و مکان، شیوه‌های خاص گفتاری و رفتاری و نشانه‌های فرهنگی بخش گسترده‌ای از نشانه‌های هویتی را در بر می‌گیرد. فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هر چه که فرد به عنوان عضوی از جامعه خویش فرا می‌گیرد است، «ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آنها پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. ارزش‌ها، آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند.» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۳۶) به همین دلیل بیشتر نشانه‌های فرهنگی با نشانه‌های هویتی و آداب‌معاشرت هم‌پوشانی دارند. نشانه‌های فرهنگی عبارتند از: آداب و رسوم و آیین‌ها و مناسک، شیوه‌های عام فکری، رفتاری و گفتاری، سیاست و حکومت، زبان، داستان‌ها و حکایات، اقتصاد، هنر و

نشانه‌های آداب‌معاشرت

به مجموعه برخوردهای اجتماعی افراد جامعه با یکدیگر، معاشرت گفته می‌شود. آداب-معاشرت، به عنوان وسیله ارتباطی بر مبنای هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد. رمزگان‌های معاشرت عبارتند از:

- حالات و اطوار که ارتباط غیرکلامی شامل: اشاره‌ها، حرکات اندام، وضع اندام، حالت‌های چهره و مانند آن‌هاست. (ر.ک: ریچموند و مک کروسبی، ۱۳۸۸: ۱۷)
- لحن کلام افراد با دیگران (خودمانی، دوستانه، منتقدانه، خشم‌آلود، ملایم، مهربانانه، دلسوزانه، آمرانه، تمسخرآمیز و ...)
- شیوه‌های ارتباطی در رفتار و گفتار (پند دادن و پذیرفتن، راندن و پذیرش، متلک‌گویی، تحقیرکردن و ...)

تحلیل حکایت

بشنوید ای دوستان این داستان	خود حقیقت نقد حال ماست آن
بود شاهی در زمانی پیش از این	ملک دنیا بودش و هم ملک دین
اتفاقاً شاه روزی شاد سوار	با خواص خویش از بهر شکار

یک کنیزک دید شه بر شاهراه شد غلام آن کنیزک، پادشاه
مرغ جانش در قفس چون می‌طپید داد مال و آن کنیزک را خرید
(مولوی، ۱۳۶۰: ۳۹-۳۵/۱)

۳۹۷

نشانه هویتی

من شعری/ شاعر حکایتی را نقل می‌کند که حقیقت حال خودش است. شیوه خاص گفتاری مولوی تعلیمی است که رمزگان زندگی شخصی اوست. ضمیر «ما»: ناظر بر کل آدمیان است، قید «هم»: نشانه تفاوت پادشاه با دیگر پادشاهان-ملک دین او، افزون بر ملک دنیای دیگر پادشاهان- است. او به عنوان بالاترین مرتبه اجتماعی جزء پادشاهان عام مثنوی است که نامی ندارد. اهل طریقت است و حالات عرفانی و روحانی را درک می‌کند. دلبستگی پادشاه به کنیز، خرید و آوردن او به دربار- بدون آنکه کنیز مهری از پادشاه بر دل داشته باشد- رمزگان قدرت و تسلط محض است، به شکار رفتن، شیوه خاص رفتاری پادشاه به همراه خواص است (تأکید بر واژه خواص تمایز اجتماعی طبقه حاکم را معین می‌کند)، شکار: آداب و رسوم، رمزگانی فرهنگی از ورزشی تفریحی برای قشر درباری است که با تشریفاتی انجام می‌شده است، خوراک: گوشت شکار متمایز کننده طبقه خواص است، زمان: گذشته، اتفاقاً قید همراهی است.

نشانه آداب معاشرت: شاعر با شیوه ارتباطی گفتاری و شنیداری در بیت نخست به همراه لحن پندآمیز، نقش خردمند دل‌آگاهی را دارد که با اندرز و نصیحت سعی در ارشاد مخاطبان دارد، (تأکید بر شنیدن به قصد عبرت‌گیری: بشنوید ای دوستان این داستان). حالت ظاهری سوار اسب شدن شاه، رمزگان مقام والای شاه است. شیوه عام ارتباطی- رفتاری: شکار رفتن به صورت گروهی است.

چون خرید او را و برخوردار شد آن کنیزک از قضا بیمار شد
کوزه بودش آب می‌نامد به دست آب را چون یافت خود کوزه شکست
شه طبیبان جمع کرد از چپ و راست گفت جان هر دو در دست شماست
(همان: ۴۳-۴۰/۱)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری شاه در برخورد با کنیزک، -خرید و برخورداری از او- رمزگان مالکیت و قدرت است. بی‌اختیاری کنیزک، رمزگان تسلیم در برابر قدرت مطلق است. دعوت طبیبان

برای درمان کنیز، رمزگان اهمیت طبابت است. مکان: چپ و راست رمزگان نقاط مختلف جغرافیایی است. شیوه خاص گفتاری شاه: گفت جان هر دو در دست شماست، رمزگان ناتوانی است. شیوه عام فکری-رفتاری-فرهنگی، انجام خواسته پادشاه، رمزگان زورگویی و قدرت است. کاربرد ضرب‌المثل: کوزه داشت ولی آب نبود، آب یافت ولی کوزه شکست، رمزگان فرهنگی ناسازگاری تقدیر است.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی رفتاری-گفتاری شاه: خواهشی با لحن التماسی-جان هر دو در دست شماست- است. ارتباط غیرکلامی جمع کردن طیبیان از نقاط مختلف است.

هر که درمان کرد مر، جان مرا	برد گنج و دُر و مرجان مرا
جمله گفتندش که جانبازی کنیم	فهم گرد آریم و انبازی کنیم
هر یکی از ما مسیح عالمی است	هر الم را در کف ما مرهمی است

(همان: ۴۷-۱/۴۵)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری شاه: وعده گنج دادن در ازای درمان کنیز که رمزگان اهمیت کنیز است. جان من، نشانه اهمیت معشوق برای عاشق است. مسیح عالم بودن، رمزگان دینی زنده کردن دوباره است. گنج و در و مرجان، رمزگان ثروت و قدرت شاه است. شیوه خاص گفتاری طیبیان: جانبازی و انبازی کردن، رمزگان اطاعت و تسلیم محض است.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی-گفتاری شاه: خودمانی و ملایم است. لحن ترغیبی و تشویقی شاه برای درمان کنیز نشانه به کار گرفتن ابزار قدرت در راستای رسیدن به خواسته است. شیوه ارتباطی-گفتاری طیبیان: پذیرش و با لحن مهربانانه رمزگان همراهی به طمع گنج است. لحن تفاخرآمیز طیبیان برای درمان رمزگان غرور آنهاست.

گر خدا خواهد نگفتند از بطر	پس خدا بنمودشان عجز بشر
ترک است ثنا مرادم قسوتیست	نی همین گفتن که عارض حالتیست
ای بسا ناورده است ثنا بگفت	جان او با جان استناست جفت
هر چه کردند از علاج و از دوا	گشت رنج افزون و حاجت ناروا

(همان: ۵۱-۴۸)

نشانه هویتی

عدم اعتقاد به قدرت و اراده الهی و تسلیم در برابر آن-در نگفتن اگر خدا بخواهد- سبب شد، خدا عجز بشر را به آنها نشان دهد، که رمزگان دینی مجازات الهی است. استثناء در آیه ۱۸سوره قلم، رمزگان دینی است. عارفانی که بدون استثنا گفتن، جان و روحشان با حقیقت آن قرین است، از نشانه‌های عرفانی-فرهنگی است که رمزگان اتحاد با وجود خداست. در عرفان حال و نیت قلبی معتبر است، نه کلامی، حدوث هر امری معلق به مشیت الهی است و اعتقاد عارفان به تقدیر الهی و غلبه قضا بر اختیار آدمی است.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی گفتاری شاعر/راوی: پند دادن است که با لحن انتقادی و تعلیمی بیان شده است. از روی بطر، اگر خدا بخواهد را نگفتند و خدا عجزشان را بنمود، رمزگان ناتوانی بشر در برابر خواست الهی است. پیام مسلط ارجحیت خواست خدا بر تمام خواسته‌هاست.

آن کنیزک از مرض چون موی شد	چشم شه از اشک خون چون جوی شد
از قضا سرکنگبین، صفرا فزود	روغن بادام، خشکی می‌نمود
از هلیله قبض شد، اطلاق رفت	آب آتش را مدد شد، همچو نفت

(همان: ۵۴-۵۲/۱)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری شاه: چشم شه از اشک خون، چون جوی شد، رمزگان عاشق بودن است. شیوه عام فکری-رفتاری: اشک ریختن برای معشوق نشانه عاشقی است. نشانه‌های واژگانی: سرکنگبین، روغن بادام، هلیله، صفرا، خشکی، قبض، اطلاق، رمزگان فرهنگی طب کهن ایرانی است. استفاده از تمثیل: آب آتش را مدد شد، همچو نفت، رمز فرهنگی ناسازگاری طبیعت با برخی خواسته‌های بشری است و در فرهنگ دینی غلبه خواست خدا بر قوانین اثبات شده است.

نشانه آداب معاشرت

نشانه ظاهری چون موی شدن، رمزگان درد و رنج شاه است، ارتباط غیرکلامی اشک خونین ریختن شاه، رمزگان غصه بسیار است.

شه چون عجز آن حکیمان را بدید پا برهنه جانب مسجد دوید
رفت در مسجد سوی محراب شد سجده‌گاه از اشک شه پر آب شد
(همان: ۵۶-۵۵/۱)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری شاه، پا برهنه به سوی مسجد دویدن و اشک ریختن در سجده‌گاه، رمزگان بی‌تابی شاه و تسلیم در برابر قدرت الهی است. نشانه‌های اماکن اسلامی همچون مسجد و محراب، رمزگان جغرافیای اسلام است. شیوه عام فکری-رفتاری مسلمانان در ناامیدی پناه بردن به خدا و اشک ریختن برای برآورده شدن حاجت است که رمزگانی فرهنگی-دینی است.

نشانه آداب‌معاشرت

پرسونای شعری با لحنی ناامیدانه، حکایت را ادامه می‌دهد. شیوه ارتباطی-رفتاری دویدن شاه به سوی مسجد در حالت گریان، رمزگان یأس و درماندگی و طلب پوزش از درگاه الهی است.
چون به خویش آمد ز غرقاب فنا خوش زبان بگشاد در مدح و دعا
کای کمینه بخششت مُلک جهان من چه گویم؟ چون تو می‌دانی نهان
ای همیشه حاجت ما را پناه بار دیگر ما غلط کردیم راه
(همان: ۵۹-۵۷/۱)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری-گفتاری شاه: به خویش آمدن و خروج از غرقاب فناست که در اصطلاح عارفان مستغرق شدن در حق و رمزگان عارف بودن شاه است. زبان به مدح و دعا گشودن رمزگان ایمان اوست. آگاهی خدا بر نهان و آشکار، اشاره به «عِلْمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةُ» (رعد: ۱) دارد. او کمترین لطف و بخشش خدا را مُلک جهان می‌داند که رمزگان بخشندگی فراوان خداست. با درخواست بخشش از خدا به اشتباه چندباره خود اقرار کرده و طلب برآورده شدن را دارد. درخواست حاجت از خدا علاوه بر وجه دینی، وجهی فرهنگی و عرفانی نیز دارد.

نشانه آداب‌معاشرت

راوی/شاه به شیوه دعایی و لحن خواهشی زبان به مدح خدا گشود، راز و نیاز و طلب بخشش کرد و درخواست برآوردن حاجت داشت که رمزگان رحمت الهی است.
لیک گفتی گر چه می‌دانم سِرِّت زود هم پیدا کنش بر ظاهر

چون بر آورد از میان جان خروش
ندر آمد بحر بخشایش به جوش
در میان گریه، خوابش در ربود
دید در خواب او که پیری رو نمود
گفت ای شه مژده حاجاتت رواست
گر غریبی آیدت فردا ز ماست

(مولوی، ۱۳۶۰: ۶۳-۶۰/۱)

۴۰۱

نشانه هویتی

شیوه‌های خاص رفتاری-گفتاری شاه: اقرار به آگاهی خداوند بر اسرار، از میان جان خروش برآوردن شاه و به جوش آمدن بحر بخشایش و خواب دیدن، رمزگان اتصال به حق است. «مولوی» همه چیز عالم و آدم را به یک مرکز، مرکز الهی باز می‌گرداند. در اندیشه مرکزگرای او، شکل‌گیری طلب در ذهن و ضمیر آدمی پس از الهام خداست. اوست که این اندیشه را در انسان بیدار می‌کند. «(فروغی و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۱۵) شیوه خاص گفتاری سروش غیبی در خواب: مژده برآورده شدن حاجات از طرف خداوند است. به جوش آمدن بحر بخشایش الهی رمزگان دینی رحمت بی‌پایان خداست. شیوه‌های عام رفتاری و گفتاری عارفانه: کاربرد واژگان عرفانی: سِرّ و ظاهر، پیر، بانگ برآوردن در حالت روحانی، در میان گریه به خواب رفتن، خواب دیدن و تعبیر شدن آن، مژده دادن خبر خوش. مولانا عجز و ناتوانی پادشاه را به قدرت لایتناهی خداوند وصل کرده و جابه‌جایی قدرت را از پادشاه به سمت خداوند نشان می‌دهد.

نشانه آداب معاشرت

شیوه‌های ارتباطی رفتاری-گفتاری: خروش برآوردن با حالت از خود بیخودی و گریه با لحن تمنایی که رمزگان درماندگی کامل است. تغییر راوی از شاه به حضرت حق با لحن مسرت-بخش، پیام مسلط متن برآورده شدن حاجت، در صورت درخواست با خلوص نیت و صدق درون است.

چونکه آید او حکیمی حاذق است
صادقش دان کو امین و صادق است
در علاجش سحر مطلق را ببین
در مزاجش قدرت حق را ببین
چون رسید آن وعده‌گاه و روز شد
آفتاب از شرق اخترسوز شد
بود اندر منظره شه منتظر
آفتاب از شرق اخترسوز شد
دید شخصی فاضلی پرمایه‌ای
تا ببیند آنچه بنمودند سِرّ
آفتابی در میان سایه‌ای

(مولوی ۱۳۶۰: ۶۸-۶۴/۱)

نشانه هویتی

شیوه‌های خاص رفتاری طبیب الهی: او در علاج سحر مطلق و در مزاج قدرت حق دارد، حکیم رمزگان پیر طریقت است. صفاتش: حکیم حاذق، امین، صادق، فاضل، پرمایه، آفتاب در میان سایه، مبین این ادعاست. در فرهنگ عرفانی پیر را به طبیب حاذق تشبیه کرده‌اند که مرید دردمند برای علاج خود به او نیازمند است و حکم راهنما و مرشد را دارد. به گفته ابوسعید ابو-الخیر: «مدار طریقت بر پیر است.» (محمدبن منور، ۱۳۹۷: ۱۹۵) زمان آمدن طبیب، هنگام طلوع خورشید است که رمزگان روشنی و هدایت است. استقبال از شخص مهم از مباحث فرهنگی و آداب و رسوم اجتماعی است. منتظر بودن شه در منظره رمزگان اهمیت مهمان است.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی دستوری با لحنی آمرانه است. حق به شاه فرمان می‌دهد که پیر را صادق بدان و در وجود او سحر مطلق و قدرت حق را ببین. شیوه ارتباط غیرکلامی شاه، انتظار بی‌صبرانه در منظره است. پیام مسلط، اعتقاد به آمدن پیری راهنما از طرف حق، و تأکید بر دیدن اوصاف الهی در وی و پذیرش اوست.

پیش آن مهمان غیب خویش رفت	شه بجای حاجبان فا پیش رفت
هر دو جان بی‌دوختن بر دوخته	هر دو بحری آشنا آموخته
لیک کار از کار خیزد در جهان	گفت معشوقم تو بودستی نه آن
از برای خدمت بندم کمر	شه ای مرا تو مصطفی، من چون عمر

(مولوی، ۱۳۶۰: ۷۷-۱۷۴)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری-گفتاری شاه: به جای حاجبان به استقبال مهمان غیب رفت، هر دو در دریای عرفان شناگری را آموخته و جانشان بدون دوخت و دوز به یکدیگر متصل بود، گفتن اینکه معشوق حقیقی‌ام تو بودستی نه آن، رمزگان این است که هر دو از مردان راه حق هستند. حاجبان گروه شغلی که در دربار خدمت کرده و وظیفه استقبال از مهمانان را دارند. رفتن پادشاه به جای حاجبان رمزگان اشتیاق شاه و جایگاه والای مهمان است. آداب پیشوازی از شیوه‌های عام رفتاری-فرهنگی است. رمزگان دینی: بیان نام بزرگان دین چون مصطفی و عمر است. که شاه مهمان غیب را مصطفی و خود را چون عمر می‌داند که در خدمت اوست. این تشبیه

رمزگان عرفانی آداب صوفیه است که چون پیر نایب پیامبر و نبی وقت است، باید از فرمان او نیز اطاعت کرد.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی-گفتاری شاه: ابراز ارادت به پیر با لحنی خادمانه است. لحن ستایشگرانه مولوی و پادشاه نسبت به حکیم رمزگان جایگاه عارفان در اجتماع است. پیام مسلط: ابراز ارادت و احترام مرید به پیر و اطاعت از او.

از خدا جویم توفیق ادب	بی ادب محروم گشت از لطف رب
مائده از آسمان در می‌رسید	بی شری و بیع و بی‌گفت و شنید
در میان قوم موسی چند کس	بی ادب گفتند کو سیر و عدس
منقطع شد خوان و نان از آسمان	ماند رنج زرع و بیل و داسمان
باز عیسی چون شفاعت کرد حق	خوان فرستاد و غنیمت بر طبق
باز گستاخان ادب بگذاشتند	چون گدایان زله‌ها برداشتند

(همان: ۸۴-۸۰/۱)

نشانه هویتی

شیوه خاص گفتاری: شاعر از خداوند توفیق ادب را خواستار است و با آوردن تمثیل‌های قرآنی سعی دارد تا مردم را به شکرگزاری از نعمت‌های الهی وادارد. قوم موسی و عیسی رمزگان ناسپاسی و بی‌ادبی هستند. شیوه خاص رفتاری: رسیدن مائده الهی برای قوم موسی و عیسی از آسمان و قطع آن به سبب بی‌ادبی، رمزگان دینی-فرهنگی روزی الهی است که برای تمام موجودات مقرر شده است. (مائده: ۱۱۱-۱۱۵) رمزگان عرفانی: برداشتن زله، نشان از نداشتن توکل یاران عیسی، به وعده حضرت حق است. توکل مقام ششم در طریقت صوفیه است.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی-گفتاری مولانا با بهره از تمثیل‌های قرآنی، رمزگان علاقه مولوی به دین اسلام است. بهانه‌جویی‌های قوم موسی و ادا و اطوار برای درخواست سیر و عدس، رمزگان زیاده-خواهی قوم بشر است.

دست بگشاد و کنارانش گرفت همچو عشق اندر دل و جان‌ش گرفت

(مولوی، ۱۳۶۰: ۱/۹۳)

معنی الصَّبرُ مُفْتاحُ الْفَرْجِ	گفت ای نور حق و دفع الحرج
دست‌گیری هر که پایش در گل است	ترجمانی هرچه ما را در دل است
إِنْ تَغِبْ جَاءَ الْقَضَا ضَاقَ الْفَضَا	مرحبا یا مجتبی یا مرتضی
قَدْ رَدَى كُلَّ لَئِنٍ لَمْ يَنْتَهَى	اَنْتَ مَوْلَى الْقَوْمِ مَنْ لَا يَشْتَهَى

(مولوی، ۱۳۶۰: ۹۹-۱/۹۶)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری-گفتاری شاه: دست گشودن و در آغوش گرفتن طیب در بدو ورود و چون عشق او را با دل و جان پذیرفتن، رمزگان ارادت شاه به طیب است، زیرا او را راهنمای طریقت می‌داند. نشانه‌های مذهبی: اشاره به حدیث نبوی: الصَّبرُ مُفْتاحُ الْفَرْجِ، صبر کلید گشایش کارهاست، نام بردن از امام حسن محبتی و علی مرتضی، اقتباس از آیه ۱۵ سوره علق «كُلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَه لَنْسَفَعَا بِالْأَنْصِيَّةِ». نشانه‌های عرفانی: ترجمان هرچه در دل است و دست‌گیر کسانی که در گل مانده‌اند، بیان صفات پیر طریقت است که بر دل‌ها اشراق و آگاهی دارد و دستگیر سالک بر راه مانده در رسیدن به منزل است. رمزگان فرهنگی به کار بردن ضرب‌المثل: پای در گل بودن معنای کنایی از حرکت بازماندن است. استفاده از مثل عربی: «إِذَا حَانَ الْقَضَا ضَاقَ الْفَضَا».

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی-رفتاری شاه: دست گشودن و در آغوش گرفتن که این حالت بدنی رمزگان علاقه به پیر است. شیوه ارتباطی-گفتاری شاه: مدحی با لحن ستایشگرانه است. پیام مسلط: شادمانی از ورود پیر است.

دست او بگرفت و برد اندر حرم	چون گذشت آن مجلس و خوان کرم
بعد از آن در پیش رنجورش نشاند	قصه رنجور و رنجوری بخواند
تن خوشست و او گرفتار دلست	دید از زاریش کو زار دلست
نیست بیماری چو بیماری دل	عاشقی پییداست از زاری دل

(همان: ۱۰۹-۱/۱۰۸)

نشانه هویتی

شیوه خاص گفتاری-رفتاری شاه: دست او بگرفت و برد اندر حرم، خواندن قصه رنجور و رنجوری کنیز، نشان دادن طیب در پیش رنجور، حرم رمزگانی فرهنگی-دینی در جوامع مردسالار است. «حرم یا اندرونی، حرم سرا، محلی در خانه پادشاهان و بزرگان که جایگاه اقامت زنان و دختران بوده است.» (معین، ۱۳۷۵: ذیل واژه) کنیزانی که با اهداف کامروایی، توالی نسل و خدمت‌گذاری خریداری می‌شدند، در آن مکان جای می‌گرفتند. بردن طیب در حرم و خلوت کردن خانه، نشانه اعتماد کامل شاه به اوست. شیوه خاص رفتاری طیب: طیب فوراً متوجه شد که زاری کنیز از گرفتاری دل است. شیوه عام فکری جامعه درباره عاشقی، بیماری دل است که باعث زاری عاشق می‌شود. نشانه فرهنگی: نیست بیماری چو بیماری دل، رمزگان ضرب المثل: هیچ دردی بدتر از عاشقی نیست.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی شاه با طیب: دوستانه است. حالات ظاهری: گرفتن دست او و بردن به حرم و روایت رنجوری کنیز، رمزگان توسل و اعتماد به طیب است.

علت عاشق ز علتها جداست عشق اصطربا اسرار خداست
(مولوی، ۱۳۶۰: ۱/۱۱۰)

هرچه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم خجل باشم از آن
(همان: ۱/۱۱۲)

چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت عقل در شرحش چو خر در گل بخفت
شرح عشق و عاشقی هم، عشق گفت آفتاب آمد دلیل آفتاب
چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت
گر دلیل آید از وی رو متاب
(همان: ۱۱۶-۱۱۴/۱)

شمس در خارج اگرچه هست فرد می‌توان هم مثل او تصویر کرد
(همان: ۱/۱۲۰)

چون حدیث روی شمس‌الدین رسید شمس چارم آسمان سر در کشید
واجب آید چونک آمد نام او شرح کردن رمزی از انعام او
این نفس جان دامنم برتافتست بوی پیراهان یوسف یافتست

(همان: ۱۲۵-۱/۱۲۳)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری-گفتاری شاعر: من شعری/شاعر بیماری عشق را از دیگر بیماری‌ها جدا و عشق را وسیله‌ای برای کشف اسرار خدا می‌داند. اصطراب رمزگانی از آشکار ساختن اسرار غیب است؛ زیرا که به اعتقاد مردم، ستاره‌شناسان با استفاده از آن، به اسرار عوالم دیگر دست می‌یافتند. قلم رمزگانی از آگاهی است که در برابر عشق همانند عقل از پای در می‌آید. ضرب-المثل «هچون خر در گل خفتن» کنایه‌ای از عدم توانایی عقل در شرح و وصف عشق است. رمزگان عرفانی-دینی: آفتاب دلیل آفتاب آمدن اشاره به سخن ذالنون مصری است: «عرفت ربی برّبی». شاعر از یگانگی شمس در علم قدیم بهره برده و تصویر او را در عالم، رمزگان شمس تبریزی می‌داند و در چنین لحظه‌ای خورشید آسمان چهارم از یاد وی می‌رود. او خود را مقید می‌داند که با یادآوری نام شمس، نعمتی را که او همچون رازی با او در میان گذاشته، با دیگران تقسیم کند. رمزگان مذهبی-فرهنگی: جامه دریدن از شوق یادآوری دیدار با شمس، به تأثیر بوی پیراهن یوسف مانند شده است که اشاره به حال صوفی است که در حالت سماع به وجد آمده و خرقة خود را از شدت وجد و غلبه شوق، در حالت بیخودی و بی‌اختیای بدرد.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی-گفتاری شاعر عاشق: دردمندانه با لحنی اشتیاق‌آمیز به توصیف عشق و حالات عاشقی می‌پردازد. او با بهره از نکات عرفانی-تمثیلی و بیان تقابل عقل و عشق، به برتری عشق اذعان دارد. پیام مسلط، جایگاه والای عشق است، حتی عشقی مجازی که انسان را از راه طریقت به عشق الهی می‌رساند

گفت ای شه خلوتی کن خانه را دور کن هم خویش و هم بیگانه را

(همان: ۱/۱۴)

خانه خالی ماند و یک دیار نه	جز طبیب و جز همان بیمار نه
نرم نرمک گفت شهر تو کجاست	که علاج اهل هر شهری جداست
دست بر نبضش نهاد و یک به یک	باز می‌پرسید از جور فلک

(همان: ۱۴۸-۱/۱۴۶)

نشانه هویتی

شیوه خاص گفتاری طبیب: گفت ای شه خلوتی کن خانه را، نرم نرمک گفت شهر تو کجاست. شیوه خاص رفتاری طبیب: با دست بر نبض نهادن و پرسیدن از کنیز سعی به واکاوی ذهن و کشف رازش را دارد. واژگان عرفانی: خلوت، خویش، بیگانه، دیار. رمزگان فرهنگی: باز پرسیدن از جور فلک که نشانه ظلمی است که به کنیزک شده و او را به زور از شهرش دور کرده‌اند. فرهنگ برده‌داری از گذشته در جوامع انسانی بوده و غلامان و کنیزان به عنوان طبقه‌ای اجتماعی در جوامع اسلامی نیز وجود داشته‌اند. خلوت کردن خانه توسط شاه و تنها گذاشتن کنیز با طبیب، رمزگان اعتماد به صداقت طبیب است.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی طبیب با شاه و کنیز متفاوت است. شیوه گفتاری طبیب الهی با پادشاه دستوری و با لحن آمرانه است که نشانه حرف‌شنوی پادشاه از اوست. شیوه ارتباطی گفتاری-رفتاری طبیب با کنیز دوستانه با لحنی صمیمانه و دلسوزانه است، تا با ابراز همدردی، اعتماد او را جلب کند. طبیب با دست نهادن بر نبض کنیز و تماس بدنی سعی دارد تا کنیز را تحت تأثیر قرار داده تا رازش را متوجه شود.

نبض او بر حال خود بد بی‌گزند	تا بپرسیید از سمرقند چو قند
نبض جست و روی سرخ و زرد شد	کز سمرقندی زرگر فرد شد

(همان: ۱۶۸-۱۶۷/۱)

گفت دانستم که رنجت چیست، زود	در خلاصت سحرها خواهم نمود
هان و هان این راز را با کس مگو	گرچه از تو شه کند بس جست‌وجو

(همان: ۱۷۱ و ۱۷۴/۱)

گفت پیغمبر که هر که سر نهفت	زود گردد با مراد خویش جفت
-----------------------------	---------------------------

(همان: ۱۷۶/۱)

نشانه هویتی

شیوه خاص گفتاری-رفتاری طبیب: پرسیدن از شهر سمرقند، تشخیص رنج کنیز، دادن قول رهایی و تأکید بر فاش نکردن راز، رمزگان جلب اعتماد و دوستی است. شیوه خاص رفتاری کنیز: نبض جستن و زرد و سرخ شدن روی، رمزگان عاشقی است. سخن نگفتن کنیز و پاسخ

ندادن او رمزگان ترس است. مکان: شهر سمرقند، رمزگانی از آبادی سرزمین‌های اسلامی است. شغل زرگری که طبقه شغلی مرفه جامعه و رمزگان ثروت است. پنهان کردن راز از رمزگان‌های فرهنگی است که طیب، کنیز را از افشای رازش برحذر می‌دارد. حدیث نبوی درباره فاش نکردن سرّ، رمزگان دینی است که به صورت تلمیح آورده شده است.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی گفتاری-رفتاری: طیب در حالیکه نبض کنیز را در دست داشت، اسم سمرقند را آورد و به راز کنیزک پی برد. او با لحنی دلسوزانه به کنیزک قول کمک می‌دهد و با لحن پندآمیز، او را از افشای راز بر حذر می‌دارد. جستن نبض کنیزک و سرخ و زرد شدن چهره‌اش، رمزگان‌های غیرکلامی و حالت ظاهری برملاشدن راز است.

بعد از آن برخاست عزم شاه کرد شاه را زآن شمه‌یی آگاه کرد
(همان: ۱/۱۸۲)

مرد زرگر را بخوان زآن شهر دور بازو و خلعت بده او را غرور
چون که سلطان از حکیم آن را شنید پند او را از دل و جان برگزید
شه فرستاد آن طرف یک دو رسول حاذقان و کافیان بس عدول
(همان: ۱۸۶-۱/۱۸۴)

کای لطیف استاد کامل معرفت فاش اندر شهرها از تو صفت
نک فلان شه از برای زرگری اختیارت کرد زیرا مهتری
(همان: ۱۸۹-۱/۱۸۸)

مرد مال و خلعت بسیار دید غره شد از شهر و فرزندان برید
اندر آمد شادمان در راه مرد بی خبر کآن شاه قصد جانش کرد
(همان: ۱۹۲-۱/۱۹۱)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری شاه: پذیرفتن پند حکیم با دل و جان و فرستادن دو رسول برای آوردن زرگر، نشانه اطاعت بی‌چون و چرا، که رمزگان اعتماد کامل شاه به حکیم است. شیوه خاص رفتاری زرگر: با دیدن مال و خلعت غره شد و شهر خود را ترک کرد، که رمزگان افراد طماع جامعه است که به طمع جایگاه و مال فریفته می‌شوند و شادمان به سوی تباهی می‌تازند.

خلعت، جامه بخششی است که نشانه فرهنگی ایجاد محبت در آداب و رسوم ایرانیان بوده است. شیوه عام رفتاری جامعه، فریفته مال و ثروت شدن است.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی حکیم: درخواستی-فریب زرگر با زر و خلعت- با لحنی خیرخواهانه، رمزگانی از پیشبرد هدف با هر شیوه‌ای است. شیوه ارتباطی شاه: فرستادن رسولان و فریفتن زرگر با وعده‌های دروغین با لحنی فریبکارانه، شیوه رفتاری زرگر: پذیرشی- به طمع مال و خلعت غره شدن- و ترک شهر و خانواده با شادی که رمزگان انسان‌های ظاهربین که به طمع فریب می-خورند. حالت ظاهری شادمان شدن زرگر رمزگان ساده‌لوحی است.

پس حکیمش گفت ای سلطان مه آن کنیزک را بدین خواجه بده

(همان: ۱/۱۹۹)

شه بدو بخشید آن مه‌روی را جفت کرد آن هر دو صحبت‌جوی را
مدت شش ماه می‌رانند کام تا به صحبت آمد آن دختر تمام
بعد از آن از بهر او شربت بساخت تا بخورد و پیش دختر می‌گذاخت

(همان: ۲۰۳-۲۰۱/۱)

چونکه زشت و ناخوش و رخ زرد شد اندک اندک در دل او سرد شد
عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود

(همان: ۲۰۶-۲۰۵/۱)

خون دوید از چشم همچون جوی او دشمن جان وی آمد روی او
دشمن طاووس آمد پر او ای بسی شه را بکشته فر او
گفت من آن آهویم کز ناف او ریخت آن صیاد خون صاف او

(همان: ۲۱۰-۲۰۸/۱)

آنکه کشته استم پی مادون من می ندانند که نخسبد خون من
بر من است امروز و فردا بر وی است خون چون من کس چنین ضایع کی است

(همان: ۲۱۴-۲۱۳/۱)

این جهان کو هست و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا
این بگفت و رفت در دم زیر خاک آن کنیزک شد ز رنج و عشق پاک

(همان: ۲۱۷-۲۱۶/۱)

نشانه هویتی

شیوه خاص رفتاری شاه: بخشیدن کنیز به زرگر و جفت کردن آن دو، ساختن شربت مرگ برای زرگر، رمزگان فتنه و قدرت است. شیوه خاص رفتاری-گفتاری زرگر: زشت، ناخوش و زرد رخ شدن-که موجب سردی عشق کنیزک شد-رمزگان بی ارزشی عشق‌های ظاهری است. او در هنگام مرگ با ذکر تمثیل‌هایی چون؛ پر طاووس، فرّ شاه و نافه آهو، آن‌ها را رمزگان غرور، زیبایی و برتری بر دیگران معرفی کرده و آنها را موجب مرگ می‌داند. در ابیات بعد به قانون عمل و عکس‌العمل اشاره دارد که رمزگانی فرهنگی-اجتماعی است. اشک خونین ریختن زرگر رمزگان حسرت و پشیمانی است. ریختن خون زرگر رمزگانی دینی-فرهنگی است که اشاره به سخن امام علی(ع) دارد: هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی‌کند. (ر.ک: نهج‌البلاغه، ترجمه نامه ۵۳)

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی زرگر: بیان سخنان حسرت‌آمیز با لحن پشیمانی، رمزگانی از سخنان حکمت‌آمیز درباره مرگ است. نشانه غیرکلامی اشک خونین از چشم جاری شدن، رمزگان افسوس و پشیمانی بی‌نتیجه است. پیام مسلط، تأکید بر گذر از عشق‌های زمینی و رسیدن به عشق حقیقی است.

زآنکه مردگان پاینده نیست	زآنکه مرده سوی ما پاینده نیست
عشق زنده در روان و در بصر	هر دمی باشد ز غنچه تازه‌تر
عشق آن زنده گزین کوباقی است	که از شراب جان فزایت ساقی است
عشق آن بگزین که جمله انبیا	یافتند از عشق او کار و کیا
تو مگو ما را بر آن شه بار نیست	با کریمان کارها دشوار نیست

(مولوی، ۱۳۶۰: ۲۲۲-۲۱۸/۱)

نشانه هویتی

راوی از زرگر به پرسونا/شاعر منتقل می‌شود. شیوه خاص فکری: شاعر عشق زمینی را رد و به عشق همیشه تازه (عشق الهی) معتقد است. شیوه خاص گفتاری: تأکید بر گزینش عشق زنده جاوید است، عشقی که کار انبیاء از آن سر و سامان گرفت. واژگان: ساقی، شراب جان‌فزا، شه، کریم، رمزگان‌های عرفانی از صفات معشوق حقیقی است. رسم بار دادن در دربار شاهان نشانه

پذیرش درخواست دیدار است که رمزگان کریم بودن شاه حقیقی (خدا) است. شیوه عام فکری در جامعه ایرانی، برتری عشق حقیقی بر عشق‌های مجازیست.

نشانه آداب معاشرت

شیوه ارتباطی-گفتاری: تعلیمی با لحن تشویقی است. شاعر با لحنی امیدبخش ناامیدان را به وصال الهی نوید می‌دهد؛ زیرا که خداوند کریم است. پیام مسلط برتری عشق جاودانه الهی است.

کشتن آن مرد بر دست حکیم	نه پی او مید بود و نه ز بیم
او نکشش از برای طبع شاه	تا نیامد امر و الهام الـه
آن پسر را کش خضر بیرید خلق	سرّ آن را در نیابد عام خلق
آن که از حق یابد او وحی و جواب	هر چه فرماید بود عین صواب
آن که جان بخشد اگر بکشد رواست	نایب است و دست او دست خداست
همچو اسماعیل پیشش سر بنه	شاد و خندان پیش تیغش جان بده
تا بماند جانست خندان تا ابد	همچو جان پاک احمد با احد

(همان: ۲۲۹-۲۲۳/۱)

نشانه هویتی

شیوه خاص گفتاری و رفتاری: راوی/ مولوی با بهره‌گیری از رمزگان‌های دینی و داستان انبیاء، کشتن زرگر به دست حکیم را توجیه می‌کند. با آمدن وحی الهی، انجام اموری چون بریدن حلق پسر توسط خضر(ع)، سرنهادهن اسمعیل(ع) پیش تیغ پدر، رمزگان اطاعت بی‌چون و چرا از خداست. دست پیامبران دریافت‌کننده وحی از جانب حضرت حق، همانند دست خداست که رمزگانی از صاحب حق بودن انبیاء الهی است. واژگان مذهبی: امر و الهام الهی، خضر، پسر خضر، حق، وحی، صواب، نایب، اسماعیل، احمد. رمزگان دینی: اشاره به نام انبیاء رمزگان وقوف شاعر بر قرآن است. خندان بودن جان پاک احمد با احد، رمزگان مسلمان بودن شاعر و ارجحیت خاتم رسولان(ص) بر دیگر پیامبران است. رمزگان عرفانی: مولانا حکیم الهی را در زمره نایبان حق می‌داند که الهام الله را دریافت می‌کنند.

نشانه آداب معاشرت: شیوه ارتباطی گفتاری: شاعر با لحنی تعلیمی و اندرز و نصیحت، سعی در موجه جلوه دادن مرگ زرگر به دست حکیم دارد. او دلیل مرگ زرگر را خواست خداوند از

طریق ارسال وحی معرفی می‌کند. اطوار و حالات ظاهری شاد و خندان بودن، رمزگان رضایت خاطر در برابر خواست الهی است. پیام مسلط متن: اهمیت جایگاه برگزیدگان حق که با وحی و الهام راه صواب را در می‌یابند، حتی اگر در ظاهر ظلم به نظر آید.

نتیجه‌گیری

با بررسی حکایت پادشاه و کنیزک با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی، نشانه‌های هویتی و نشانه‌های آداب معاشرت هویدا شدند. نشانه‌های هویتی: شیوه خاص گفتاری مولانا در کل متن تعلیمی است. شیوه خاص گفتاری-رفتاری شاه، رمزگان قدرت و مالکیت اوست و در برابر طبیب و حضرت حق تسلیم و رضا است. شیوه خاص گفتاری-رفتاری طبیب الهی، داشتن سحر مطلق و قدرت حق است که رمزگان پیر طریقت است. شیوه خاص رفتاری و گفتاری کنیز سکوت است که رمزگان تسلیم بودن او در برابر قدرت مطلقه است. شیوه خاص گفتاری-رفتاری طبیبان مدعی که هر یک خود را مسیح عالمی می‌دانستند، رمزگان غرور است. شیوه خاص رفتاری زرگر که با دیدن مال و خلعت غره شد و شهر و فرزندان خود را ترک کرد، رمزگان افراد طماع جامعه است. اشاره به داستان‌های قرآنی و احادیث بیشترین رمزگان‌های دینی را تشکیل می‌دهند. خندان بودن جان پاک احمد با احد، رمزگان حقانیت و برتری خاتم رسولان بر دیگر پیامبران الهی است. راوی در پایان داستان از زرگر به شاعر منتقل می‌شود. او بر گزینش عشق به زنده جاوید تأکید دارد که رمزگان شدت اعتقاد دینی مولاناست. نشانه‌های فرهنگی بر شیوه‌های خاص رفتاری-گفتاری افراد و شیوه‌های عام فکری اجتماع تأثیر دارد. شیوه عام فکری-رفتاری پادشاه در خرید کنیزک رمزگان فرهنگی قدرت است. شکار فعالیت فرهنگی، رمزگان اختلاف طبقاتی است. به کار بردن آیه‌های قرآن وجهی دینی دارند و هنگامی که وارد آداب صوفیانه شده‌اند، فرهنگی-عرفانی به شمار می‌آیند. نشانه‌های مقام و شغل پررنگ است در حالیکه نام اهمیتی ندارد. پادشاه نامی ندارد و گزینش کنیزک در برابر شاه رمزگان تقابل طبقه اجتماعی است. طبیب الهی رمزگان فرستاده حق و پیر طریقت است. زمان روایت داستان در قرن هفتم هجری است و وقایع داستان در گذشته پیش از آن اتفاق افتاده است. مولانا در میانه حکایت و بیان تفسیر عشق، به زمان خویش باز می‌گردد. این بازگشت به زمان حال به دلیل یادآوری عشق شمس‌الدین و شرح هجران اوست. واژگان مکانی چون حرم،

مسجد، محراب، سجده‌گاه، سمرقند رمزگان جغرافیای اسلام است. خوراک کم‌رنگ‌ترین نشانه هویتی متن است.

نشانه‌های آداب معاشرت: شیوه ارتباطی گفتاری-رفتاری-شنیداری و لحن هستند. لحن پند-آمیز شاعر، کلام خردمندی است که سعی در ارشاد دارد و تأکید بر شنیدن به قصد عبرت‌گیری. شیوه ارتباطی-رفتاری شاه، خرید کنیزک و برخورداری از او است. پس از بیماری کنیز شیوه گفتاری شاه خواهشی-التماسی می‌شود. شاه با گفتار خودمانی و ملایم با لحن تشویقی طبیبان را ترغیب به درمان کنیزک می‌کند. شیوه گفتاری طبیبان، برای درمان، پذیرش با لحن ازخودگذشتگی است. سپس با لحن تفاخرآمیز به شاه قول مداوا می‌دهند. نشانه ظاهری چون مو شدن، رمزگان درد و رنج کنیز است. شیوه رفتاری اشک خونین ریختن شاه و لحن غمگینانه رمزگان عشق شاه به کنیز است. شیوه ارتباطی-رفتاری شاه دویدن به سوی مسجد با حالت گریه، رمزگان درماندگی است. در میان راز و نیاز خفتن و خواب‌دیدن و دریافت مژده آمدن طبیب الهی، رمزگان مستجاب شدن دعا است. لحن تمنایی پیش از برآورده شدن حاجت به لحن شادمانه تبدیل می‌گردد. شیوه ارتباط گفتاری شاه نسبت به طبیب با لحنی خادمانه است. لحن طبیب نسبت به پادشاه دستوری و رمزگان حرف‌شنوی پادشاه از اوست. لحن طبیب با کنیزک صمیمی و دلسوزانه است و رمزگان جلب اعتماد است. بعد از نام بردن از سمرقند و جستن نبض کنیز با لحن پندآمیز او را از افشای راز بر حذر می‌دارد. حکیم در راهنمایی شاه به ارسال خلعت برای زرگر، لحن خیرخواهانه دارد که رمزگان پیشبرد هدف است. رسولان با لحنی فریبکارانه زرگر را تطمیع کرده که با آنها بیاید. در پایان داستان، سخنان حسرت‌آمیز زرگر با لحن پشیمانی، رمزگان سخنان حکمت‌آمیز پیرامون مرگ است. شاعر با شیوه ارتباطی-گفتاری، گزینش عشق همیشگی را با لحن تشویقی ترویج می‌کند که رمزگان گرایش و عشق به خداست. شیوه گفتار شاعر در موجه جلوه دادن مرگ زرگر لحنی تعلیمی دارد که دلیل مرگ او را خواست خداوند می‌داند. نشانه غیرکلامی انتظار پادشاه در منظره، رمزگان اهمیت پیر راهنماست. ادا و اطوار قوم موسی برای درخواست سیر و عدس، رمزگان بهانه‌جویی‌های قوم بشر است. حالت ظاهری در دست گرفتن نبض کنیز و تماس بدنی با او رمزگان اعتماد کامل به وی است. جستن نبض و سرخ و زرد شدن روی کنیز، حالت ظاهری بر ملا شدن راز است.

حالت اشک خونین ریختن زرگر رمزگان افسوس و پشیمانی اوست. به طور کلی نشانه‌های اجتماعی حکایت در راستای اهداف تعلیمی - عرفانی به کار رفته‌اند.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

الطائی، علی. (۱۳۹۶). *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: شادگان.

چندلر، دانیل. (۱۳۸۷). *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: شرکت انتشارات سور مهر.

ریچموند، ویرجینا پی و جیمز سی مک‌کروسی. (۱۳۸۸). *رفتارهای غیر کلامی در روابط میان‌فردی (درس‌نامه ارتباطات غیرکلامی)*، ترجمه فاطمه‌سادات موسوی و ژیلای عبدالله‌پور، زیر نظر غلامرضا آذری، تهران: دانش.

سجودی، فرزانه. (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران: علم.

کرس، گونتر. آر. (۱۳۹۴). *نشانه‌شناسی اجتماعی از نظریه تا کاربرد*، باز نمود چند وجهی رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی با موضوع ارتباط در عصر حاضر، ترجمه سجاد کبگانی و رحمان صحراگرد، تهران: مارلیک.

گیرو، پیر. (۱۳۸۰). *نشانه‌شناسی*، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه.

محمد بن منور. (۱۳۹۷). *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی ابوسعید ابوالخیر*، مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگاه.

معین، محمد. (۱۳۷۵). *فرهنگ معین*، تهران: امیرکبیر.

مولوی. (۱۳۶۰). *مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی*، به اهتمام دکتر محمد استعلامی، تهران: زوار.

نجومیان، امیرعلی. (۱۳۹۶). *نشانه‌شناسی، مقالات کلیدی*، تهران: نشر مروارید.

هالیدی، مایکل و حسن، رقیه. (۱۳۹۳). *زبان، بافت، متن (ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی)*، ترجمه محسن نوبخت، تهران: سیاه‌رود.

مقالات

طهماسبی، فرهاد. (۱۳۸۸). بازتاب مسائل اجتماعی- فرهنگی در مثنوی معنوی مولانا (نگاهی به مثنوی از منظر جامعه‌شناسی ادبیات). پژوهشنامه ادب حماسی (پژوهشنامه فرهنگ و ادب)، ۶-۵(۹)، ۲۸۹-۲۷۰.

فروغی، شهرام و خالدیان، محمدعلی و عباسپور اسفدن، حسنعلی. (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل طلب در اندیشه عطار و مولوی در منطق‌الطیر و مثنوی. تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۱۵(۵۷)، ۴۰۸-۴۵۵.

فرهنگی، سهیلا و باستانی خشک بیجاری، معصومه. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی اجتماعی رمان بیوتن. نشریه تخصصی نقد ادبی، ۷(۲۵)، ۱۵۱-۱۲۱.

ودیع، فرزانه، طهماسبی، فرهاد و زیرک، ساره. (۱۴۰۱). نشانه‌شناسی اجتماعی غزلی از خواجهی کرمانی بر اساس نظریه چندلر. زبان و ادبیات فارسی، ۵۰(۵)، ۳۷۳-۴۰۴.

References

Books

The Holy Quran.

Nahjolbalagheh

Altaie, A. (2017). *Ethnic Identity Crisis in Iran*, Tehran: Shadegan. [In Persian]

Chandler, D. (2008). *Semiotics: the basics*, Trans. Mehdi Parsa, Tehran: Sureh

Mehr. [In Persian]

Eco, U. (2008). *Semiotics*, Trans. Pirooz Izadi, Tehran: Sales. [In Persian]

Giro, Pier. (2001). *Semiotics*, Trans. Mohammad Nabavi, Tehran: Agah. [In Persian]

Halliday, M., & Hassan, R. (2014). *Language, Context, text (Aspects of language in Social semiotic Perspective)*, Trans. Mohsen Nobakht, Tehran: Siahroud. [In Persian]

Kress, G.R. (2015). *Social semiotics from theory to application, a multifaceted representation of the approach of social semiotics to the subject of communication in the present age*, Trans. Sajjad Kabgani and Rahman Sahragard, Tehran: Marlik. [In Persian]

Moein, M. (1996). *Moin Culture*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]

Mohammed Ebn Monavar. (2018). *Asrar al-Towheed in the authority of Sheikh Abo Saeed Abul Khair*, Introduction, proofreading and notes by Mohammadreza Shafiei Kodkani, Tehran: Aghaz Publications. [In Persian]

Molavi, J. (1981). *Masnavi of Jalalodin Mohammad Balkhi*, By Dr Mohammad Stealami. 5 volumes, Tehran: Zavvar. [In Persian]

Najoumian, A. A. (2017). *Semiotics, key articles*, Tehran: Marwarid Publishing. [In Persian]

Richmond, V., P. & James, C. M. (2008). *Non-verbal behaviors in interpersonal relationships (textbook of non-verbal communication)*, Trans. Fatema-Sadat

Mousavi and Zhila Abdullah-Pour, Under the supervision of Gholamreza Azari. Tehran: Danje. [In Persian]

Sujudi, F. (2008). *Applied Semiotics*, Tehran: Elm. [In Persian]

Articles

Farhangi, S., & khoshk bijari, M. (2014). Social Semiotics of Bioten's Novel. *Literary criticism Quarterly*, (25), 121-151. [In Persian]

Foroughi, Sh., Khaledian, M. A., & Abbaspour Esfadan, H. A. (2023). Examination and analysis of Taalab in the thought of Attar and Molavi in Al-Tayr and Masnavi logic. *interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda)*, 15(57), 408-455. [In Persian]

Tahmasbi, F. (2009). The Reflection of Socio-Cultural Issues in Moulana's Masnavi Manavi (From The Sociological Perspective). *Epic Literature (Jour year, nal of Culture and Literatur)*, 5-6(9), 270-289. [In Persian]

Vadie, Farzaneh and Tahmasabi, Farhad and Zirak, Sara. (2022). Social semiotics of a lyric by Khajovi Kermani based on Chandler's theory. *Persian language and literature magazine*, (50), 373-404. [In Persian]



Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 16, Number 62, Winter 2024, pp.390-417

Date of receipt: 12/6/2024, Date of acceptance: 28/8/2024

(Research Article)

DOI:

Analysis of social signs in the story of the king and the maid based on theory

Pir Giro

Dr. Maryam Barzegar¹

Abstract

Social semiotics examines social signs. Signs in literary works express social, political and cultural conditions. The purpose of the research is to analyze the story of the King and the Maiden of Masnavi based on social semiotics, which was done in a descriptive-analytical way. Pir Girou has divided social signs into two groups: identity and social etiquette. Identity signs include occupation, social rank, religion, culture, place, time, food, clothing. Signs of social etiquette are moods, tone, verbal and non-verbal communication. the most identity signs; It is the king's special way of speaking and behaving, which is the symbol of his power. Love for the maidservant is mystical love. The behavior of divine physician and goldsmith are signs of Islamic religion and mystical culture. Job and social class, time and place and food are little signs of identity. Verbal and non-verbal communication style is about teaching religious-mystical topics. Needy, pleading, eager, commanding, praising, etc. tones serve to advance the goals of the story. The poet has used external signs, moods and moods to express the dominant message of the text, i.e. the place of true love.

Keywords: social semiotics, Masnavi, king and maid, identity, etiquette.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. barzegar@srbiau.ac.ir